

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: طارق الشیخ
برگردان از: حمید بهشتی
۱۱ جنوری ۲۰۱۹



طارق الشیخ

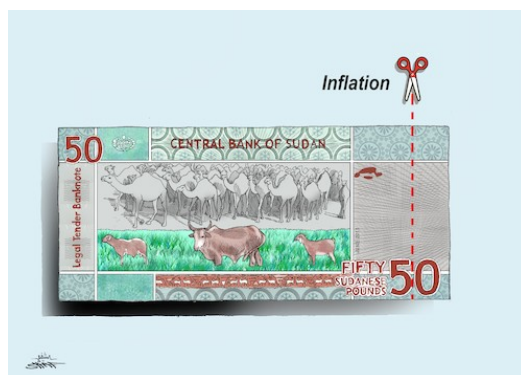
امیدواری به انقلاب سومی در سودان

سودان، دور از انتظار جهانیان (اخراج خبرنگاران) قیام بی نظیری را علیه استبداد جنرال عمر البشیر تجربه می کند و این موجب امید به تحولی ریشه دارتر از آنچه در ۱۹۶۴ و ۱۹۸۵ رخ داد می باشد.

شاعر مردمی سودان، مجیب شریف که در آغاز دهه ۷۰ به اسارت افتاد این نیایش پر شور را در راه زندان سرود
آسمان خرطوم عزیر کی روشن خواهد گشت

زخم کشور ما کی التیام خواهد یافت؟

با گذشت دهها سال اکنون به نظر می رسد آرزوی وی جامه عمل به خود پوشیده باشد. در صبح ۲۵ دسمبر پایتخت سودان با صدای شعارهای مردم بیدار شد. نیروهای مختلف اپوزیسیون در چشمگیرترین تظاهرات پر شور از زمان کودتای جنبش اسلامگرا در سال ۱۹۸۹ حضور یافتند. اگر چه شورش های دیگری نیز گاه به گاه در گذشته رژیم را به لرزه در آورده است.



شاف (تورم)

فراخوان بسیج مجموعه ای از کارشناسان (تجمع المهنيين) شامل بر مهم ترین سندیکاها، پزشکان، مهندسين و وکلای مدافع، مورد تأیید مردم و احزاب سیاسی قرار گرفت. چیزی که ده ها سال واقع نگشته بود. به نظر می رسد خواسته های مطروحه هم برای دولت و هم برای نیروهای سازمان یافته، دعوت به مبارزه باشد. این اولین جنبشی است که از ده ها سال پیش، از زمان به دست گرفتن زمام امور توسط فرماندهی انقلاب برای نجات میهن (الانقاص) به وجود آمده است.

هدف اعلام شده توسط مجموعه مذکور در قلب پایتخت رساندن اعتراض سندیکاها به دولت و سیاست اقتصادی اش بوده، اوجگیری سیاسی آن موجب رشد خواسته های مربوطه گشت و در نامه ای خطاب به کاخ ریاست جمهوری استعفای رئیس جمهور، حسن البشیر را مطرح ساخت. با توجه بدین جنبش چشمگیر در شهر های بزرگ و کوچک سودان به نظر می رسد دولت در میان به کار گرفتن نیرنگ و اعمال انعطاف همراه با استفاده از خشونت که کشور در سه دهه گذشته بدان عادت کرده است، مردد مانده.

جنبشی بی نظیر

سودان از زمان استقلالش در سال ۱۹۵۶ چندین تجربه انقلاب مردمی داشته است که دو بار موجب سرنگونی حکومت های دیکتاتوری گشت. یکی حاکمیت مارشال ابراهیم عبود در سال ۱۹۶۴ و دیگری حکومت جنرال جعفر نمیری در سال ۱۹۸۵. اما قیام اخیر ظاهراً از هر جهت با موارد سابق تفاوت دارد. در حالی که قیام های گذشته بر جنبشی صنفی که در اوج قدرت خود بود و نیز بر یک جنبش سازمان یافته سیاسی در شهر های بزرگ به ویژه در پایتخت متکی بودند، قیام اخیر در شمال کشور، در شهر عطیره که مرکز کاری و دارای شهرت "پرورشگاه جنبش صنفی سودان" است آغاز گشت. سپس به سرعت گسترش یافت و امواج آن شهر های شمالی مانند بربر و دامر و سپس دنقلا و کریمه را به حرکت کشید. آنگاه در مشرق، شهر های قضارف، پرتسودان و کاسلا را نیز شامل گشت و در غرب به ابیض و رهد و سرانجام به نیل سفید رسید.

جنبش ملت دارای آنچنان کششی است که بسیاری از گروه های مردم را به هم پیوسته است. این زمین لرزه برای رژیم که معمولاً به خاطر پیشگیری از کودتا پولیس را در پایتخت متمرکز می سازد غیر منتظره بود. علاوه بر زور و تحرک جنبش، برای دولت مهم این است که اهداف سیاسی آن شفاف بوده، علی رغم شدت گرسنگی و فقر مردم فقط جنبه اقتصادی ندارند. به تخمین برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP) بیش از ۲۰ میلیون تن در سودان در زیر خط فقر به سر می برند که این نزدیک به یک سوم از ۶۶ میلیون بینوایان تمامی کشور های عرب است.

شعارهائی که تظاهر کنندگان در شهر ها می دهند در اساس سیاسی اند. مهم ترین آنها "آزادی، صلح، عادت" است و نیز "گزینه ملت، انقلاب". این نشاندهنده عمق خواسته های ملت و شدت انگیزه انقلابی است.

این جنبش، کیفیت مبارزه را مستقیماً به سطح بالائی برده، علی رغم تهیدستی و گرسنگی مردم بروشنی به قدرت اخوان المسلمین پایان داده و امید به تجربه گشایش تازه ای را اعلام نموده است. این نیز روشن است که جنبش اسلامی از رسالت خویش عبور نموده و میراث سنگینی را به جای نهاده است: انحلال حکومت در تمامی سطوح اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و به ویژه به لحاظ دینی که با توجه به آمیزش شیطانی دین با فساد ایجاد گشته است.

رئیس دستگاه های اطلاعاتی تونس، صالح قوش در دیداری که با هیأت های تحریر رسانه های کشور داشت جنبش را قیامی ناگهانی که از احزاب سیاسی بسیار دور است توصیف نمود. به نظر او جدائی جنبش از هر گونه مشارک احزاب سیاسی نشانگر این است که فاقد هر گونه آینده ای می باشد. اما واقعیات اظهارات وی را نفی می کنند. صالح قوش

سپس مسؤولیت وقایع را بر عهده نیروهای نفوذی و تحریک گرایانی که خود را میان تظاهر کنندگان جا زده و توسط عوامل موساد تعلیم و هدایت یافته اند محول نمود. هدف اظهارات او بیش از همه اعضای گروه های شورشی آزادیبخش دافور سودان تحت رهبری عبدالوحد النور بو. این اعلام مقصر نشاندهنده التهای است که به خاطر وقوع انقلاب به حزب حاکم دست داده است. مناطقی که فرستنده های حزب حاکم، کنگره ملی (المؤتمر الوطني)، در عطیره، دامر یا بربر متلاشی گشتند دارای آن گونه ویژگی های اجتماعی است که عناصر دافوری آن - دستکم از نظر رژیم- قابل چشم پوشی بوده، وجه غالب آنها حضور جنبش های اسلامگراست.



شاف

چشمگیرترین تظاهرات

جنبش مردم ادامه داشته، تمامی شواهد نشاندهنده این است که اهالی شهرها ابداء کنندگان آن بوده، همچنان دولت را به مبارزه می طلبند. در بسیاری از شهرها مردم به اعلام شرایط اضطراری و توقف تردد بی اعتنائی می نمایند. شاید مهم ترین و پر معنی ترین وقایع تظاهرات ۲۵ دسمبر در پایتخت بود. محله های شهر را مردم اشغال نموده، در صف مقدم تظاهر کنندگان نمایندگان طیف های صنفی از مشاغل مختلف و رهبران احزاب حضور داشتند. این چشمگیرترین تظاهراتی بود که از زمان کودتای عمر البشیر در سال ۱۹۸۹ در سودان به وقوع پیوست.

علی رغم اعمال خشونت فوق العاده و استفاده از اسلحه گرم برای متفرق ساختن تظاهر کنندگان مردم قاطعانه مقاومت نموده بروشنی نشان دادند که انقلاب با قدرت و شادابی درحال پیشروی است. پایتخت مانند صحنه جنگی بود که در آن تانک ها و سربازان فراوان حضور داشتند. با اینحال چنان که از بیانیه مجموعه کارشناسان بر می آید اعتراضات موفقیت آمیز بود. بیانیه مزبور، مسؤولان حضور "هزاران تن از نیروهای امنیتی و سربازان را که در خودروهای زرهپوش با تیراندازی به سوی تظاهرکنندگان قصد جلوگیری از حامیان جامعه مدنی، احزاب سیاسی و توده های ملت که برای رساندن پیام درخواست استعفای رئیس جمهور به کاخ رفته بودند" را محکوم نمود.

سندیکاها دستیابی به اتحاد را که از دهها سال پیش فقدان آن حس می شد درود گفته بیانگر اراده مردم و مطابق خواست سندیکاها دانستند. "ما موضع خویش را که برخاسته از مطالبات مردم است بیان نموده ایم". اتمسفر موجود، اتمسفر

تجدید اعتماد بوده در نیروهای ملت این برداشت را ایجاد نموده است که علی رغم شمار زیاد قربانیان دور اول را برده اند. بر طبق منابع پزشکی ۴۰ تن کشته شمرده شدند.

احساس عمومی چنین است: به نمایندگی نیروهای سیاسی اپوزیسیون که عمدتاً در ائتلاف اجماع ملی (جماعة) و ندا السودان متشکل اند، در سه شنبه ۲۵ دسمبر مجموعه کارشناسان پیش از آغاز مارش در مرکز حزب کمونیست در خرطوم حضور به هم رساندند. آنها تصمیم گرفتند اختلافات خویش را به فراموشی سپرده، به خاطر "سرنگونی رژیم" کوشش های خویش را هماهنگ سازند. اجماع بر این شد که رئیس جمهور عمر البشیر برکنار، شورائی موقتی و دولتی تکنوکرات که وظیفه اش فراهم ساختن بازگشت به زندگی سیاسی مبتنی بر پلورالیزم حزبی در نظامی جدید باشد ایجاد گردد. لازمه دست یافتن بدین هدف تقویت مبارزه برای استعفای رئیس جمهور است.

عناصر مختلف اسلامگرای دولت فعلی بر سر این با هم اختلاف دارند که چگونه با تداوم قیام در خیابانها برخورد نمایند. بدین منظور آنها در جمعه ۲۱ دسمبر جلسه ای برقرار نمودند. رهبران جنبش های اسلامگرا که در جریان های رقیب دسته بندی شده اند از جمله در حزب کنگره ملی تحت رهبری علی الحاج، الاصلاح تحت رهبری غازی صلاح الدین و شورای جنبش اسلامی تحت رهبری الفاتح عزالدین با جنرال کمال عبدالمعروف دیداری داشتند. بر طبق گزارشات رسیده از حکومت نظامی سخن به میان آمد. گفته می شود عبدالمعروف اصل کار را پذیرفت و مسئول گشت با سایر جنرال های ارتش مذاکره نماید.

همان روز نمایندگان با صادق المهدی رئیس حزب الامت و برخی از رهبران دستجات اپوزیسیون مانند ائتلاف ندا السودان به رهبری المهدی نیز برای فراهم ساختن زمینه مذاکرات و استعفای دولت، تعیین زمانی گذار و ایجاد دولت تکنوکرات ملاقاتی داشتند.

جوانان، بازیگر ناشناس

اما فاکتور جدیدی پا به عرصه نهاده است که روند امور را تغییر می دهد. نیروهای جوان موتور اصلی قیام ملت در تمامی شهرهای سودان اند. این نسل که در سایه قدرت اسلامگرایی و جدا از گذشته های احزاب پیش از عمر البشیر چشم به گیتی گشوده، نسلی است عصیانگر که فارغ از قطب بندی های مذهبی رشد نموده است. بسیاری از جوانان می کوشند فارغ از توافق های فراحزبی عمل نمایند و خواهان این هستند که جنبش فراتر از توافقات در زمینه تغییر حکومت عمل نماید. هدف آنها تغییر رژیم و دوری جستن از تحکیمات مذهبی است^۱.

این تمایل به انقلاب واقعی در شعارهایی متبلور گشته است که توسط جوانان سر داده می شوند: "آزادی، صلح، عدالت". به سخن دیگر اکنون فاکتور تعیین کننده و جذاب بخشی از فورمول سیاسی است که دورنمای آینده ای دیگر را نوید داده، قصد دارد خود را از تمامی عملکرها زدوده، کشوری جدید ایجاد نماید که بر مبنای فورمول حق و ارزش های جدید برای زندگی تازه ای گام به پیش نهد. رهبران سیاسی کنونی به ویژه در اپوزیسیون غالباً دارای کهولت هستند. جنبش خیابانی طبیعتاً روی به جوانانی دارد که خواهان تغییراتی واقعی می باشند. لذا آینده آبهتن تقابل های بزرگتر سیاسی، تصمیمات قاطع تر و خطرات بیشتر است.

یا جنبش اسلامگرایی با وقوع انقلابی محدود به کاخ، همگان را به شگفتی خواهد افکند که بی شک از جانب اپوزیسیونی قوی در ملت با استقبال مواجه خواهد گشت یا سایر اسلامگرایان با هم بر سر این توافق خواهند نمود که با نیروهای پرنفوذ سیاسی مانند همراهان صادق المهدی که به نظر می رسد مایل به قبول توافقاتی باشند که با افکار وی و برنامه فردی آرام، سازگار باشد: پایان دادن به قدرت کنگره ملی و ایجاد دوران گذر توسط کنگره ای متشکل از تمامی

نیروهای سیاسی سودان که شامل بر نیروهای اسلامگرا نیز بوده، در باره چگونگی قدرت در آینده با هم مشورت نمایند. البته این راه حل را مردم به ویژه نسل جدید و نیز سایر نیروها مانند اجماع (ائتلاف اپوزیسیون) تحت رهبری رئیس سابق دفتر وکیل مدافع های عربی، فارق ابو عیسی رد خواهند کرد.

گزینهش ممکن سوم که بی شک در نظر ملت ارجحیت خواهد داشت تحولی ریشه ئی است با حذف اسلامگرایان از قدرت و جدائی از پیشینه سیاسی. شگفتی در اینجا است که این گزینه که به خواست های جوانان و نیروهای انقلابی نزدیک تر بوده و سودان را بهتر به دامن کشورهای مدرن باز خواهد آورد امریست که نیروهای سنتی مذهبی و جنبش های اسلامگرا به شدت تمام با آن مبارزه خواهند کرد.

جنبش فعلی ممکن است با نیروهای شبه نظامی جنبش اسلامگرا که در عمل قادر به تصمیم گیری خواهند بود مواجه گردد. آنها در به کار بردن اسلحه تردیدی نخواهند داشت.

سؤال اینجا است که نیروهای نظامی و پولیس با توجه به اینگونه خطرات تا کجا می توانند بی تفاوت باقی بمانند. آیا آنها به صحنه وارد خواهند شد تا همانگونه که برخی امیدوارند از جنبش حمایت نموده و مانند قیام های ملت در ۱۹۶۴ و ۱۹۸۵ تقابل را به نفع ملت پایان دهند؟

همه شواهد حاکی از این است که قیام ملت سودان ادامه داشته و قوت بیشتر خواهد یافت، با این آرزوی قوی که به رژیم فعلی پایان دهد، در حالی که به موازات آن مذاکرات طولانی و بی وقفه میان احزاب مختلف و نیروهای سیاسی به امید یافتن راه حلی برای برون رفت از بحران ادامه دارد.

تذکر ناشر

۱ – دو جنبش بزرگ در سودان وجود دارند. یکی طرفداران امام المهدی (انصار الام المهدی) با صادق المهدی رئیس حزب ملی (الامة) که بزرگ ترین حزب سیاسی سودان است و دیگری طرفداران میرقانی با محمد عثمان المیرقانی مربوط به حزب اتحاد میهنی (الحزب الوطنی الاتحادی) که دومین حزب بزرگ کشور است.

از استقلال به تجزیه

۱ جنوری ۱۹۵۶ پایان حضور انگلستان و استقلال. در تابستان ۱۹۵۵ در ایالات جنوبی شورش به وجود آمد.

نومبر ۱۹۵۸ کودتای نظامی.

اکتوبر ۱۹۶۴ قیام ملت و سرنگونی دیکتاتور. به وجود آمدن رژیم پارلمانی.

۲۵ مه ۱۹۶۹ کودتای افسران آزاد تحت رهبری ژنرال جعفر النمیری.

جولای ۱۹۷۱ شکست کودتای چپ افراطی، سرکوب خونین حزب پر قدرت کمونیست.

۱۹۷۲ نمیری قوانین شریعت را مسلط و دوباره جنگ جنوب آغاز گشت.

مارچ- اپریل ۱۹۸۵ سقوط رژیم نمیری به دنبال قیام مردم و کودتا.

۳۰ جولای ۱۹۸۹ افسران اسلامگرا تحت رهبری عمر البشیر قدرت را به دست گرفته و جنگ با جنوب شدت یافت.

۹ جولای ۲۰۰۵ امضای توافقی که حاوی همه پرسی در باره خودگرانی جنوب بود.

۴ مارچ ۲۰۰۹ دادگاه بین المللی جزائی علیه عمر البشیر به خاطر جنایت علیه بشریت حکم توقیف صادر و سال بعد جرم کشتار قومی نیز بدان افزوده شد.
جنوری ۲۰۱۱ جنوب با اکثریت بالا به استقلال رأی داد، پیش از آن که در جنگ غوطه ور گردد.

برگرفته از تلاکسکالا، 28/12/2018

<http://www.tlaxcala-int.org/article.asp?reference=25041>